

بخش دوره درس:

کیفرشناسی

کردآورنده:

جناب آقای فرهاد دارایی

موسسه آموزش عالی فروردین قائم شهر

مقدمه

«کیفرشناسی» شاخه جدیدی از علوم مربوط به جرم و کیفر و به تعبیر برخی «علوم جنائی» است که با نام و گستره کنونی تا دهه های اول قرن بیستم به عنوان یک شاخه مستقل مطرح نبود. تنها بخشی از آنچه امروز موضوع این علم است پس از نهضت روشنگری اروپا و دقیقاً از نیمه نخست قرن نوزدهم و تحت تأثیر آموزه های مکتب نئوکلاسیک با عنوان «حقوق اجرای مجازات ها» و بعداً «علم زندان ها» شناخته می شد. محتوای این دو رشته بیش از هر چیز به طرح و پاسخگویی به مشکلات حقوقی کیفر و اجرای آن و بیشتر نقد و تحلیل کیفر حبس و تبیین انواع روش های اجرایی بهتر و صحیح تر آن اختصاص داشت، هر چند اشارات مختصری به سایر مجازات ها نیز در آثار متعلق به این دوره قابل مشاهده است.

اما از نیمه قرن بیستم و دقیقاً به دنبال تحولات دهه هفتاد به بعد مثل شکست اقتدار کیفر حبس و توسعه کیفرهای جایگزین، «کیفرشناسی» نیز جای عناوین مزبور را گرفت تا علاوه بر انطباق بهتر عنوان با موضوع و محتوا، انواع ضمانت اجراهای کیفری جدید و اهمیت ارزیابی آن ها و مباحث مختلف پیرامون نهادهای اجرایی کیفر را بطور منطقی تحت پوشش قرار دهد.

با شروع دوره جدید حقوق کیفری، مطالعه همه جانبه کیفر در پرتو رواج اندیشه ها و مکاتب کیفری و بعداً جرم شناسی به رشته ای تخصصی تبدیل گشت و علوم جنایی متعددی از جمله «علم زندان ها» و کیفرشناسی، یکی پس از دیگری پا به عرصه وجود نهادند مسأله ی قابل تأمل اینکه، تا مدت مدیدی علم اداره زندان ها یگانه میدان دار عرصه مطالعه کیفرها بود در حالی که پس از عصر روشنگری شاهد به کارگیری کیفرهای متنوعی هستیم و منطقاً بایستی کیفرشناسی جای آن را می گرفت اما سوابق تاریخی چنین امری را نشان نمی دهد که علت آن را می توان در حاکمیت زندان در آن زمان که به تعبیر برخی از صاحب نظران «عصر زندان گرایی» بوده است، یافت.

کلیات

قبل از آغاز سخن در مورد مباحث اصلی کیفرشناسی، گذری کوتاه بر چند مطلب ضروری است تا ذهن ما را برای پذیرش تفصیلی مباحث اصلی آماده سازد.

بند اول: مفهوم کیفر:

واکنش جامعه نسبت به جرم است که واجد شرایطی چون رنج آوری، رسواکنندگی، تحمیلی، حتمیت، قطعیت و اجباری بودن است و اعمال آن در حوزه ی اعمال حاکمیت دولت است و نمی توان به طور کلی آن را به بخش خصوصی واگذار کرد.

بند دوم: مفهوم کیفرشناسی:

رشته ای است که به تبیین یا تحلیل و توجیه شیوه ها و راه کارهای مبارزه قهرآمیز یا کمیته محدود کننده حقوق و آزادی های فردی می پردازد و همچنین چرایی و چیستی انواع مجازات ها را بررسی می کند، روش های اجرای آن ها بررسی و پیامدهای آن ها را ارزیابی می کند و به طور خلاصه تحولات و تکامل کیفر و اهداف مورد انتظار آن را بیان می کند.

بند سوم: مفهوم علوم جنایی :

علوم جنایی علمی است که موضوع آن جرم یا پدیده مجرمانه است؛ به این معنا که رشته ای، که جرم را از جنبه های مختلف مورد بررسی قرار می دهد تحت عنوان علوم جنایی از آن یاد می شود.

بند چهارم: جایگاه کیفرشناسی:

کیفر شناسی از این جهت حائز اهمیت است که می تواند به ما کیفرهای مؤثرتر، کارآمدتر، مناسب تر و حتی انسانی تر را برای مبارزه با جرائم معرفی کند و به ما کمک می کند تا مجازات ها و پیامدهای آن، بر جامعه و حتی بر جلوگیری از تکرار جرم را ارزیابی کنیم به همین دلیل کیفر شناسی جایگاه رفیعی دارد، لذا بین سایر رشته های علوم جنایی از اهمیت مضاعفی برخوردار است. کیفر فی نفسه دارای پیامدهای انسانی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مختلفی است و بررسی این موضوع می تواند اهمیت زیادی داشته باشد.

فصل بندی

همانطور که بیان شد کیفرشناسی شاخه جدیدی از علوم جنایی می باشد و به دلیل جدید بودن این رشته و آشنایی کمتر دانشجویان با مباحث مرتبط با این رشته، لازم است جهت آشنایی بیشتر دانشجویان با مباحث مختلف و مرتبط با این رشته، مباحثی همچون تحولات کیفر، رویکردهای کیفرشناسی، اهمیت، ویژگی ها و اهداف کیفر و در نهایت انواع کیفر مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد.

ما نیز در این جزوه برای دستیابی به این هدف، مباحث فوق را در سه فصل مورد بررسی قرار می دهیم؛ فصل اول اختصاص به بررسی تحولات کیفر، رویکردها و شاخه های کیفرشناسی دارد که در قالب دو مبحث بیان شده است و فصل دوم مربوط به بررسی اهمیت، کارکردها، ویژگی ها و اهداف کیفر می باشد که در قالب دو مبحث بیان گردیده است و در پایان فصل سوم به بررسی و ارزیابی انواع کیفر اختصاص داده شده که در هفت مبحث، کیفرهای مختلف مورد ارزیابی و بررسی قرار گرفته است.

فصل اول:

بررسی تحولات کیفر، رویکردها و شاخه های کیفرشناسی

از آنجایی که آشنایی با تحولات تاریخی کیفر می تواند در فهم مباحث کیفرشناسی مؤثر و مفید واقع شود، در این فصل ابتدا در مبحث اول به بررسی تحولات تاریخی کیفر خواهیم پرداخت و در مبحث دوم این فصل رویکردها و شاخه های کیفرشناسی را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

مبحث اول:

بررسی تاریخ تحولات کیفر

تغییر و تحول مجازات ها چه از نظر شکل و ماهیت و چه از نظر اجرا در طول زمان تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله آداب و رسوم اجتماعی، عوامل اقتصادی، سیاسی، مذهبی و ... بوده و در نتیجه نظام کیفری به تبع تحولات اجتماعی و سیاسی لزوماً تغییرپذیر می باشد.

به طور کلی می توان گفت کیفر در طول تاریخ فراز و نشیب های زیادی را به خود دیده است، که برای فهم بهتر این تغییر و تحولات برخی آن ها را به چهار دوره انتقام خصوصی، قصاص، دادگستری عمومی و عصر روشنگری تقسیم کرده اند که در ذیل به اختصار به بررسی این چهار دوره خواهیم پرداخت.

گفتار اول: دوره انتقام خصوصی:

در این دوره که به نام هایی همچون؛ «عدالت خصوصی» یا «دادگستری خصوصی» یا «دادگستری خانوادگی» یا «جنگ های خصوصی» نیز تعبیر شده است، نظام منسجمی برای تبیین جرم و نحوه برخورد با مرتکبین جرم وجود نداشته است و نقض ارزش ها و باورهای قومی و قبیله ای اغلب منجر به درگیری و جنگ بین طرفین

می گردید. مهمترین مجوز برای انتقام جویی، تجاوز به منافع فردی یا خانوادگی و نهایتاً گروهی یک فرد یا قبیله معین بود.

مجازات های این دوره غالباً خشن و جسمانی بودند و هدفی جزء انتقام و سزادهی و تطهیر مرتکب را دنبال نمی کرد. مسئولیت جزائی فقط بر اساس مادی بودن و تحقق خارجی عمل مجرمانه پیدا می شد و بدون در نظر گرفتن قصد، اراده و عقل مجرم وی را مجازات می نمودند.

در این دوره علاوه بر مسئولیت جزائی شخص مجرم، اقوام و خویشاوندان وی نیز شریک جرم محسوب می گردیدند و مجازات مادی و معنوی را به صورت دسته جمعی متحمل می شدند. مسئولیت شخصی فقط در مورد اعمالی بود که درون یک خانواده یا داخل قبیله ای خاص ارتکاب می یافت (یعنی جرائم درون گروهی) که طرفین (یعنی بزهکار و بزه دیده) در آن زندگی می کردند. در این صورت فقط فرد خاطی مجازات می شد.

این دوره، دوران انتقام جویی خصوصی و جنگ و خونریزی به جای کیفر بوده است. قانون و مقررات خاصی وجود نداشته و هدف از مقابله با مرتکب دفاع از ارزش های خانوادگی و جبران خسارت یا انتقام گرفتن از مرتکب به منظور رضایت خاطر منجی علیه یا زیان دیده از جرم بوده است.

گفتار دوم: دوره قصاص:

دوره قصاص در تاریخ تحول مجازات ها اشاره به یک برهه خاص دارد که با ادغام تدریجی خانواده ها و قبایل و تشکیل جوامع منظم تری از قبایل اولیه شروع می شود و مبنای آن یکسان سازی و تعدیل نسبی مجازات ها، حداقل به اندازه خود جرم یعنی مقابله به مثل است نه بیشتر از آن که جنبه انتقامی پیدا می کند. در دوره قصاص این اصل پذیرفته شد که صرفاً خود مرتکب مجازات شود اگر چه موارد خلاف نیز قابل مشاهده است. در واقع در این دوره، بحث شخصی شدن مجازات یعنی این که مجازات به شخص مجرم بار می شود و بقیه افراد خانواده یا وابستگان جانی از مجازات در امان هستند، تا حدودی پذیرفته شد.

)

خصوصیت دیگر این دوره این است که در این دوره غرامت شخصی به غرامت قانونی تبدیل شد، در دوره قبل در مواردی که مسأله پرداخت غرامت مطرح می شد، طرفین درگیر باید در مورد مبلغ آن با یکدیگر به توافق می رسیدند اما در این دوره، غرامت ها تبدیل به غرامت های مشخص قانونی شد که توسط نظام حاکم معین می گردید.

خصوصیت دیگر دوره قصاص این است که در آن بحث استرداد مجرم مطرح شد یعنی این که مقرر گردید وقتی یک نفر جرمی علیه قبیله دیگری انجام داد به منظور جلوگیری از جنگ و خونریزی، جانی را تحویل قبیله مجنی علیه بدهند.

گفتار سوم: دوره دادگستری عمومی:

در دوره دادگستری عمومی مفاهیم جدیدی از جمله نظم، نفع و حقوق عمومی یا مصلحت اجتماعی در مقابل نفع یا حق خصوصی یا فردی مطرح شد. زیرا در این دوره پیشرفت های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بیشتر، منتهی به تشکیل جوامع منسجم تر و بزرگتر از قبایل اولیه و تشکیل حکومت های مرکزی شد و طبعاً تضارب و تقابل حقوق و منافع را به دنبال داشت. لذا نیاز مبرمی به یک نظام پیشرفته تر و منسجم تر نسبت به قبل احساس می شد تا بتواند حقوق و منافع همه اعضای جامعه را تأمین نماید.

در این دوره مجازات در چارچوب مجازات های مشخص و با مقررات معین و از طرف حکام مشروع باید تعیین و اجرا می شد و در خارج از این چارچوب مشروع شناخته نمی شد. جرائم به عمومی و خصوصی تقسیم می شد و ماهیت مجازات ها در این دوره مجازات های بدنی بود. رعایت سه اصل در مجازات ها ضروری بود: اصل اول: مجازات باید توأم با شکنجه باشد؛ اصل دوم: نوع مجازات و شکنجه با نوع جرم ارتكابی توسط مجرم باید مطابقت یا تناسب داشته باشد. یعنی جرم به هر شکلی انجام شده بود مجرم را به همان شکل مجازات می کردند و اصل سوم: در اعمال و اجرای مجازات و تعیین نوع آن، تفاوت طبقاتی در نظر گرفته می شد.



از ویژگی های این دوره اختیارات وسیع قضات و حکام در تفسیر مقررات و تصمیم گیری در مورد افراد و نیز استفاده از آزمایش های قضائی است که به وسیله آن ها اثبات تقصیر یا عدم آن را بر عهده قوای ماورای طبیعی یا خدا می گذاشتند.

از دیگر خصوصیات این دوره عدم تساوی در مجازات ها بود یعنی با توجه به شخصیت جانی و مجنی علیه، تبعیض در اعمال مجازات وجود داشت. خصوصیت دیگر این دوره شدت مجازات هاست و گاهی از آن ها به کفاره گناه و عامل تصفیه روح مرتکب تعبیر می نمودند لذا اجرای مجازات عموماً همراه با خشونت و زجر و شکنجه بود.

گفتار چهارم: دوره عصر روشنگری:

بعد از این تحولات تاریخی دوره جدیدی را شاهد هستیم که نقطه آغاز آن عصر روشنگری است که بعد از قرون وسطی در اروپا آغاز می شود. در این دوره مجازات ها به سمت رویکردهای انسانی تر پیش رفت و تا امروز این تحولات ادامه دارد. نهضت روشنگری در قرن ۱۷ و ۱۸ میلادی تحت تأثیر اندیشه های اندیشمندان و مکاتب کیفری، ظهور پیدا کرد.

عصر روشنگری سمت و سوی مجازات ها را به کلی تغییر داد و حاکمیت های سیاسی را مجبور به پذیرش چارچوب های مشخص و تعریف شده ای برای تعیین و اعمال مجازات ها کرد. همچنین مجازات های بدنی غیر انسانی از بین رفت و به جای آن مجازات زندان به عنوان یک مجازات معمول استفاده شد.

استفاده فراوان از کیفر حبس و ظهور معایب ناشی از آن سبب شد که این مجازات مورد نقد قرار گیرد و مجازات هایی چون جزای نقدی، جریمه، خدمات عمومی و ... برای جایگزینی حبس مطرح شود و با وجود تنوع مجازات ها دیگر علم اداره زندان ها جامع نبود. بنابراین دانش کیفرشناسی در این دوران پایه گذاری شد. در این دوره در نظر گرفتن شخصیت انسانی مجرمین در تعیین و اجرای کیفر که امروزه فردی کردن کیفر نامیده می شود مورد توجه قرار گرفت، که خود باعث ایجاد تغییرات چشم گیری در نوع مجازات ها شد. فردی کردن کیفر یعنی تعیین مجازات با در نظر گرفتن خصوصیات فردی و انسانی خاص هر مجرم.

مبحث دوم:

بررسی رویکردها و شاخه های کیفرشناسی

کیفرشناسی که اولین بار در قرن نوزدهم در رابطه با گفتگو از «علم مجازات» بکار رفت، اکنون دارای رویکردها و شاخه های خاص خود می باشد. به همین دلیل در این مبحث، ابتدا در گفتار اول رویکردهای کیفرشناسی را بیان نموده و در گفتار دوم به بررسی شاخه های کیفرشناسی خواهیم پرداخت.

گفتار اول: رویکردهای کیفرشناسی:

کیفرشناسی یکی از شاخه های علوم جنائی تحلیلی یا تفسیری است و دارای یک رویکرد و معنای مضیق و یک رویکرد و معنای موسع می باشد که عبارتند از:

الف: معنای مضیق کیفرشناسی:

کیفرشناسی در معنای مضیق عبارت است از علم اداره زندان ها. در واقع در معنای مضیق تنها مجازات حبس از میان سایر ضمانت اجرای کیفری مورد بررسی و مطالعه دقیق و علمی قرار می گیرد. زیرا در قوانین کیفری اکثر کشور ها این مجازات شایع ترین نوع برخورد کیفری با مجرمین می باشد. در این رویکرد از کیفر شناسی ابتدا از فواید و مضرات مجازات زندان سخن به میان می آید و سپس روش اداره زندان ها و تأثیرات آن مورد بررسی قرار می گیرد.

ب: معنای موسع کیفرشناسی:

در معنای موسع و رویکرد کلی، کیفر شناسی را علم مجازات می نامند. در این شاخه از علوم جنائی در واقع پیرامون چیستی و ماهیت مجازات ها، اهداف آن ها و ملاک های توزیع مجازات ها سخن به میان می آید. کیفر شناسی در معنای موسع را می توان علم تحلیل انواع مجازات و روش های اعمال و ارزیابی مجازات ها بیان کرد.

گفتار دوم: شاخه های کیفرشناسی:

در کیفر شناسی موسع که در واقع معنای حقیقی و دقیق این علم می باشد، سه شاخه اصلی و مرتبط با یکدیگر وجود دارد، که در ذیل به اختصار این سه شاخه را مورد بررسی قرار خواهیم داد:

الف: قانونگذاری کیفری:

این شاخه که اختصاص به مرحله قانونگذاری دارد، مطالعه نحوه وضع و تنظیم قوانین کیفری می باشد و در واقع شیوه وضع و تدوین قوانین و مقررات مربوط به کیفر می باشد. استفاده و به کارگیری یافته های دانش کیفرشناسی سبب می شود که کیفر تعیین شده در قانون، متناسب با نوع جرم باشد که در این صورت اصل تناسب جرم و مجازات رعایت می گردد.

ب: محکومیت کیفری:

این شاخه که اختصاص به مرحله صدور حکم دارد به بررسی شیوه محاکمه و تعیین مجازات مجرمین می پردازد. آشنایی قضائی با دانش کیفرشناسی، موجب می شود تا قضات در هنگام تعیین کیفر، کیفر متناسب با جرم و شرایط مجرم را معین سازند و بدین وسیله به اهداف نهایی و واقعی مورد نظر از اجرای کیفر دست یابند.

ج: اجرای مجازات:

این شاخه که اختصاص به مرحله اجرای کیفر دارد در واقع شیوه و روش صحیح و دقیق اجرای کیفر را بیان می کند. آشنایی مجریان اجرای کیفر با این دانش سبب می شود که در مرحله اجرا تدابیری اندیشیده شود تا نیل به اهدافی چون اصلاح، درمان و ارباب مجرم و ...، آسانتر گردد.

به طور کلی می توان گفت، مطالعه دانش کیفرشناسی از یک طرف از اتلاف هزینه های حاکمیت جلوگیری می نماید چرا که باعث می شود کیفر وضع شده در قانون، متناسب با نوع جرم بوده و قاضی در هنگام صدور حکم، کیفر متناسب با جرم و شرایط مجرم را تعیین نماید و در نهایت و در مرحله اجرا با اتخاذ تدابیری خاص، کیفر به صورت صحیح و کارشناسانه اجرا گردد و از سوی دیگر کیفر به عنوان برنده ترین سلاح جامعه و حاکمیت در مبارزه با جرائم، ارزش، اعتبار و کارایی خود را حفظ می کند.

فصل دوم:

اهمیت کیفرشناسی، کارکردها، ویژگی ها و اهداف کیفر

در این فصل برای شناخت اهمیت علم کیفرشناسی و بررسی و بیان کارکردها، ویژگی ها و اهداف کیفر، ابتدا در مبحث اول اهمیت کیفرشناسی و کارکردهای کیفر را بیان نموده و در مبحث دوم به بررسی ویژگی ها و اهداف کیفر خواهیم پرداخت.

مبحث اول:

اهمیت کیفرشناسی و کارکردهای کیفر

از آن جایی که شناخت اهمیت هر علمی در توجه به آن علم مؤثر می باشد در این مبحث ابتدا در گفتار اول به بیان اهمیت علم کیفرشناسی پرداخته و در گفتار دوم به بررسی کارکردهای کیفر خواهیم پرداخت.

گفتار اول: اهمیت کیفرشناسی:

در اهمیت کیفرشناسی همین بس که گفته می شود موضوع اصلی این رشته یعنی کیفر و اجرای آن، نتیجه عینی و ملموس کوشش ها و هزینه های گزافی است که برای تشکیلات قضایی، پلیس و زندان ها جهت برقراری عدالت و امنیت صرف می گردد. در نتیجه چنانچه کیفر به خوبی شناخته و اجرا نشود نه تنها تلاش ها و هزینه های مذکور به هدر رفته اند، بلکه زمینه های از دست رفتن مشروعیت نظام قضائی و پلیس نیز فراهم می گردد. در ذیل به بیان اهمیت علم کیفرشناسی از چهار جهت خاص می پردازیم:

۱- کیفر در هر شکل که اعمال گردد به هر حال ناقض یکی از حقوق اساسی و بنیادین بشر است لذا بررسی در مورد آن برای حفظ و حراست از آن دارای اهمیت می باشد.

)

۲- کیفر یکی از برنده ترین سلاح های حکومت ها در مبارزه با جرائم در سطح داخلی و بین المللی است. بنابراین چگونگی تعیین و نحوه اجرای آن می تواند در توجیه مشروعیت حکومت ها نقش اساسی داشته باشد.

۳- کیفر همانند جرم پدیده ای چند بعدی است و شیوه تعیین و اجرای آن قطعاً آثار متعدد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در سطح داخلی و بین المللی دارد. بنابراین عدم توازن میان جرم و کیفر نشانگر مسائل و مشکلاتی از جمله وجود عدم عدالت در نظام کیفری است.

۴- کیفر به لحاظ اخلاقی مذموم و ناپسند است و تعیین و اجرای آن بدون توجیه لازم، بر خلاف اصل است و می تواند بازتاب های سیاسی و اجتماعی در یک جامعه داشته باشد. لذا عدم مطالعه در ابعاد مختلف آن آثار منفی برای نظام سیاسی و قضائی خواهد داشت.

گفتار دوم: کارکردهای کیفر:

کیفر دارای دو کارکرد اخلاقی و فایده مند می باشد که در ذیل به بررسی این دو کارکرد مهم می پردازیم:

الف: کارکرد اخلاقی کیفر:

ارتکاب جرم در واقع نقض یکی از ارزش ها یا قواعد اجتماعی می باشد و مجرم با ارتکاب جرم، موجب ورود خسارت به جامعه می شود. جامعه نیز در مقابل خسارتی که متحمل شده است با تحمیل رنج و خسارت تحت عنوان کیفر به مجرم از یکسو و ترمیم خسارت وارده به مجنی علیه از سوی دیگر، برقراری نوعی تعادل در جامعه را دنبال می کند یعنی اخلاق ایجاب می کند که مجرم به سزای عمل خود برسد و از قربانی جرم نیز رفع ضرر شود.

ب: کارکرد فایده مند کیفر:

هدف کیفر تحمیلی به مجرم، تنها برقراری تعادل اجتماعی، ارضای افکار عمومی نگران، تنبیه و مجازات مجرم نمی باشد. بلکه علاوه بر این موارد لازم است سه فایده عبرت آموزی، باز اجتماعی کردن مجرم و طرد مجرم را نیز به همراه داشته باشد. در ذیل به بررسی این سه فایده مهم کارکرد فایده مند کیفر می پردازیم:

۱- فایده عبرت آموزی:

هر مجازات باید به نحوی انتخاب و اجرا شود که باعث شود کسانی که وسوسه تقلید از مجرم را در سر دارند از تنبیه او عبرت گرفته و آن ها را به تأمل واداشته و کارکرد پیشگیرانه خود را ایفا نماید. کیفر باید کمک کند تا جرمی که به وقوع پیوسته، دیگر بار چه توسط خود مجرم (پیشگیری خاص یا خصوصی) و چه توسط سایر شهروندان (پیشگیری عام یا عمومی) تکرار نشود.

۲- باز اجتماعی کردن مجرم:

کیفر باید در جهت اصلاح مجرم باشد و به نحوی تعیین و اعمال گردد که باعث تربیت و اصلاح مجرم گردیده به طوری که مجرم دوباره به راه خطا نرود. در حال حاضر سیاست جنایی در صدد می باشد که با استفاده از مجازات مجرم از ارتکاب جرم جدید توسط او جلوگیری نماید. بنابراین اصلاح مجرم با این هدف است که او دوباره به راه خطا باز نگردد. البته مراد، بهبودی اخلاقی بزهکار نیست، زیرا برای حقوق کیفری، بهبودی اجتماعی یعنی سوق دادن مجرم سابق به سوی پیروی از قواعد اولیه زندگی در جامعه کافی است.

۳- طرد مجرم:

مجازات های طرد کننده در خصوص جرائم بسیار شدید و خشونت بار اعمال می گردند. زیرا برای پاسداری از نظم عمومی ضروری بوده و کوشش های انجام شده به منظور باز اجتماعی کردن مجرم با شکست روبه رو شده باشد. شدیدترین این مجازات ها اعدام و حبس ابد می باشد که در کلیه نظام های حقوقی، تا دوره معاصر، شاهد وجود چنین کیفرهایی بوده ایم.

مبحث دوم:

ویژگی ها و اهداف کیفر

کیفر دارای ویژگی هایی می باشد که می تواند از سویی مجرم را آزار داده و از جامعه طرد سازد و از سوی دیگر او را اصلاح نماید. خصوصیات کیفر جوهر ذاتی آن را تشکیل می دهد و از اهداف آن باید تفکیک شوند، هر چند در برخی موارد ممکن است اختلاط ویژگی ها و اهداف پیش آید. لذا باید با دقت در موضوع تأمل نمود. در این مبحث ابتدا در گفتار اول به بیان ویژگی های کیفر پرداخته و در گفتار دوم به بررسی اهداف کیفر خواهیم پرداخت.

گفتار اول: ویژگی های کیفر:

ویژگی های کیفر که در واقع جوهر ذاتی آن می باشند عبارتند از: وجود هراس در مجرم، آزاردهی و آسیب رسانی، تحقیرآمیز بودن و جبران ضرر و زیان ناشی از جرم.

الف: وجود هراس در مجرم:

مجازات مرعوب کننده و ترساننده می باشد و عامل ترس یا قدرت ترساننده مجازات، بدین دلیل توانسته است قرن ها دوام پیدا کند که اصولاً بشر نسبت به حیات، آزادی، مال و آبروی خود علاقه دارد. سلب احتمالی هر یک از این مواهب الهی نگران کننده و بیم آور بوده و خود وسیله ای است برای باز داشتن اشخاص از تعدی و تجاوز به حقوق جامعه و دیگران. لذا بشر در اعمال مجازات از همین احساس عمیق و علاقه انسانی نسبت به حیات، آزادی، مال و آبروی خود برای ترساندن، الهام گرفته و مجازات را چاره، اعمالی دانسته که تجاوز به ارزش های انسانی شناخته شده است.

عامل ترس، از نظر روانی ممکن است دائمی نباشد و یا در طول زمان فاقد اثر گردد ولی به هر حال، تأثیر موقت آن را نمی توان در مورد بسیاری از افراد نادیده گرفت.

ب: آزاردهی و آسیب رسانی:

کیفرها ذاتاً آزار دهنده و آسیب رساننده هستند و مجرم باید با تحمل کیفر درد و ناراحتی حاصل از انجام جرم را پذیرا شود، زیرا خود به دیگری یا دیگران این درد و ناراحتی را تحمیل کرده است و در یک تناسب به ظاهر منطقی، جبران ظلمی که بر کسی وارد آمده با رنجی که تحمیل می شود امکان پذیر می گردد. مجرم باید عذاب و رنجی را که با ارتکاب جرم به دیگران و جامعه تحمیل کرده است، خود نیز تحمل کند. اثر این خصیصه را در قوانینی که به مقابله به مثل اعتقاد دارند به روشنی می توان دید. آنجا که از قصاص عضو یا قصاص نفس سخن رانده می شود هدف این است که عذابی را که مجرم بر شخص مجنی علیه وارد آورده، عیناً به خود او باز گردانند. کیفرهایی چون شلاق، حبس و... نیز همگی هدف رنج آور بودن را برای مجرم دنبال می کنند.

ج: تحقیر آمیز بودن:

جامعه در قبال جرم انجام یافته آسیب دیده است و لذا آسیب زندگان نباید مصون از تحقیر فردی و اجتماعی باشند. این تحقیر، پاداش عدم توجه به مقرراتی است که جامعه به آن ها احترام می گذارد و حریم آن ها را محفوظ می دارد. این تحقیر حتی در نحوه اجرا نیز منعکس است اجرای مجازات در ملاء عام، انتشار حکم در رسانه های گروهی به منظور اعمال این تحقیر است.

د: جبران ضرر و زیان ناشی از جرم:

مجرم با ارتکاب جرم، ضرری بر مجنی علیه وارد می کند که مادی یا روانی می باشد. این ضرر و زیان ناشی از ارتکاب جرم باید به وسیله مجازات تا حدودی جبران گردد. معمولاً مجازات ها جبران کننده بوده و شدت مجازات ها در حد امکان با توجه به مقتضیات، چگونگی، نوع جرم، شخصیت مجرم و میزان خسارت وارده، مشخص می شود. البته باید گفت که جبران ضرر و زیان ناشی از جرم بیشتر نتیجه مجازات است تا جوهر آن.

گفتار دوم: اهداف کیفر:

به طور کلی برای کیفر سه هدف را می توان بیان نمود. هدف عینی کیفر یعنی اصلاح و تربیت مجرم، که نتیجه آن پیشگیری از جرم به شکل خاص نسبت به مجرمان و به شکل عام نسبت به جامعه می باشد و هدف ذهنی کیفر یعنی اجرای عدالت. همچنین امنیت اجتماعی یعنی حفظ نظم عمومی از اهداف عمده کیفر می باشد. چرا که هدف اصلی از تأسیس کیفرها، مبارزه علیه بزهکاری و حفظ نظم و امنیت در جامعه است. در ذیل به اختصار به بررسی این سه فایده کیفر خواهیم پرداخت:

الف: هدف عینی مجازات (اصلاح و تربیت):

در حال حاضر یکی از اهداف اصلی کیفر اصلاح و باز اجتماعی کردن مجرم می باشد. البته باید توجه داشت که اندیشه اصلاح مجرم، از نوآوری های عصر کنونی به شمار نمی آید بلکه رگه های آن را در اصول حقوق جزای قرون وسطا نیز می توان یافت. با روی آوردن به مفهوم اصلاح، یعنی بهسازی مجرم و جلوگیری از کجروی و فرو افتادن دوباره وی در گرداب تبهکاری، اصلاح از اهداف اصلی مجازات قلمداد گردید. مجازات در این رویکرد بسان کلاس درسی می نماید که در آن، مجرم آموزش های بایسته را در راستای زندگی آشتی گونه و هماهنگ با جامعه فرا می گیرد.

هر چند امروز اصلاح و تربیت مجرم بیش از ارعاب و طرد او مورد نظر است اما با توجه به جوهر کیفرها نمی توان صرفاً به اصلاح، تربیت و باز اجتماعی شدن مجرم بدون توجه به ذات کیفر پرداخت.

ب: هدف ذهنی مجازات (اجرای عدالت):

بشر خواهان استقرار عدالت در جامعه می باشد پس اگر فردی مرتکب جرمی شود و با عمل خویش به جامعه و حقوق افراد تعرض نماید، جامعه به تناسب عمل مجرمانه اش با او برخورد می نماید. مجازات به عنوان ضمانت اجرای مشخص قانونی، برای اجرای عدالت می باشد. این ضمانت اجرا ممکن است نسبت به حیات شخص مجرم باشد (مجازات اعدام) یا آزادی وی را سلب یا محدود نماید (مجازات حبس) یا نسبت به اموال او اعمال گردد (مجازات توقیف یا مصادره اموال) یا آبرو و حیثیت او را هدف گیری نماید (مجازات اعلام نام شخص از رسانه ها)، لذا کیفر از نظر اخلاقی حاکی از احساس نیاز جامعه به اجرای عدالت است.

)

ج: حفظ نظم عمومی (امنیت اجتماعی):

هدف اصلی از تأسیس کیفرها، مبارزه علیه اعمال مجرمانه و حفظ نظم و امنیت در جامعه می باشد. نظم و انضباط، موجب امنیت و آرامش عمومی در جامعه می شود، در واقع جامعه ای موفق و پیشرفته می باشد که در آن نظم عمومی و آرامش حاکم باشد و ارزش های اساسی و قوانین آن جامعه نیز در راستای این امر یعنی حفظ نظم باشد.

امنیت و نظم یک نیاز اجتماعی است و برای تأمین آن اعمال قدرت حاکمیت ضروری می باشد و لذا قانونگذار باید با قوانینی مؤثر در راستای حفظ نظم عمومی وضع نماید تا بتواند نظم و امنیت را بر جامعه حاکم نموده و از هرج و مرج و بی نظمی جلوگیری نماید.

بنابراین باید ابزاری وجود داشته باشد که از جامعه در مقابل خطراتی که ارتکاب اعمال مجرمانه و مغایر با قانون، آن را تهدید می کند و امنیت و نظم جامعه را بر هم می زند، محافظت نماید و این ابزار همان کیفر یا مجازات می باشد.

فصل سوم:

انواع کیفر

کیفرها را در یک تقسیم بندی به هفت دسته می توان تقسیم نمود که عبارتند از: کیفرهای سالب حیات (اعدام و رجم)، کیفرهای سالب آزادی (حبس و بازداشت)، کیفرهای مالی (جزای نقدی و مصادره اموال)، کیفرهای بدنی (شلاق و قطع عضو)، کیفرهای محدود کننده آزادی (تبعید و اقامت اجباری در محل معین)، کیفرهای سالب حیثیت (اعلام نام شخص از رسانه ها)، کیفرهای محروم کننده از حق (انواع محرومیت ها و ممنوعیت ها). در این فصل در قالب هفت مبحث به بررسی این کیفرها خواهیم پرداخت.

مبحث اول:

کیفرهای سالب حیات

از سخت ترین کیفرها، کیفر سلب حیات است که اغلب در جرائم علیه مقدسات مذهبی، زنا، قتل عمد، امنیتی، محاربه، افساد فی الارض و ... به مورد اجرا گذاشته می شود. کیفرهای سالب حیات در قوانین جزائی ما عبارتند از: صلب، اعدام، قصاص نفس و رجم، که در ذیل به بررسی آن ها به صورت اختصار می پردازیم:

گفتار اول: صلب:

صلب از جمله مجازات های اسلامی می باشد، که در بعضی جرائم از جمله محاربه اجرا می شود و به این صورت می باشد که مجرم را طوری به دار می آویزند که بستنش موجب مرگش نشود یعنی در اینجا طناب به گردن او انداخته نمی شود و تا سه روز باید بر دار بماند آنگاه در اثنای این سه روز مرگش فرا رسد او را پایین می آورند و اگر بعد از سه روز زنده ماند دیگر نمی توان او را کشت. بند ب ماده ۲۸۲ قانون مجازات اسلامی، مجازات صلب را به عنوان یکی از مجازات هایی که قاضی می تواند در حق محارب صادر نماید، بیان نموده است.

گفتار دوم: اعدام:

مجازات اعدام در کشور ما غالباً به صورت به دار آویختن مجرم انجام می پذیرد. به دار آویختن یکی از روش های اعدام است که باعث شکستن ستون فقرات و گردن و در نتیجه آسیب شدید بصل النخاع می شود و موجب ایست دستگاه تنفسی بدلیل فلج شدن شش ها می شود. البته اگر طول طناب کم انتخاب شده باشد، شکستن گردن اتفاق نمی افتد و وی با خفه شدن کشته می شد و اگر طول طناب بسیار زیاد باشد، سر از بدن جدا خواهد شد. در مواد متعددی از قانون مجازات اسلامی مجازات اعدام پیش بینی شده است.

گفتار سوم: قصاص نفس:

در خصوص قصاص نفس، می توان به بندهای چهارگانه ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی اشاره کرد که با وجود شرایط مقرر در این ماده و سایر شرایط دیگر می توان مرتکب موضوع این ماده را به مجازات قصاص نفس محکوم نمود. لازم به ذکر است که در حال حاضر قصاص نفس در کشور ما به صورت به دار آویختن انجام می گیرد.

گفتار چهارم: رجم (سنگسار):

یک نوع مجازات مرگ است که از طریق پرتاب سنگ (که به صورت گروهی انجام می شود) به طرف مجرم صورت می گیرد. سنگسار ابتدا در یونان و روم باستان شروع گردیده و بعدها در ادیان یهود و اسلام وارد گشته است.

نحوه اجرای رجم به این صورت است که مجرم اگر مرد باشد تا نزدیکی کمر او را و اگر مجرم زن باشد تا نزدیکی سینه او را در گودال دفن می کنند و سپس با سنگ هایی که یکباره محکوم را نمی کشد بلکه به تدریج و با تحمل درد و رنج موجب مرگ وی می شود به او پرتاب می کنند. ماده ۲۲۵ قانون مجازات اسلامی، مجازات رجم را برای زانی محصن و زانیه محصنه تعیین نموده است.

)

گفتار پنجم: دلایل موافقان و مخالفان اعدام (اعدام به معنای عام):

کیفر اعدام به معنای عام از موضوعات چالش برانگیز حقوق کیفری است، چالشی که باعث تشکیل دو گروه مخالف و موافق اعدام گردیده است. موافقان و مخالفان اعدام هر یک به ارائه دلایل موافقت یا مخالفت خود با مجازات اعدام نموده اند که در ذیل مهمترین دلایل هر دو گروه را بیان خواهیم کرد:

الف: دلایل موافقان اعدام:

برخی از طرفداران کیفر اعدام، این مجازات را از نظر فن حقوق جزا، کاملترین مجازات ها دانسته و برای اثبات ادعای خود، به دلایل ذیل استناد نموده اند:

۱- **سزا دهی:** افراد جامعه با اعدام جانی قطع یقین حاصل می کنند که او به کیفر عمل خود رسیده و رهائی برای او امکان پذیر نیست.

۲- **باز دارندگی:** مجازات اعدام باعث رعب و وحشت در افراد جامعه شده و آن ها را از ارتکاب اعمالی که موجب مجازات مذکور گردد، باز می دارد و در واقع کیفر اعدام، حالت باز دارندگی دارد.

۳- **برقراری عدالت و امنیت جانی:** مجازات اعدام اسلحه برنده ای می باشد که دولت برای قراری عدالت، حفظ امنیت جانی و حیثیتی شهروندان خود، از آن استفاده می کند.

۴- **حفظ نظم و امنیت اجتماعی:** جامعه برای حفظ و بقای خود، حق دارد با طرد عضو فاسد از جامعه، جلوی اشاعه و تسری فساد به وجود آمده را، به وسیله مجازات اعدام سد نماید.

۵- **از بین بردن امکان تکرار جرم:** تجربه نشان داده که بسیاری از مجرمینی که اعدام نشده اند، پس از آزادی یا فرار از زندان، دوباره مرتکب جرائم وحشتناکی گردیده اند.

۶- **احترام به قربانی:** مجازات یک مجرم، نوعی احترام برای قربانی است، حتی اگر هیچ اثر بازدارندگی در جامعه نداشته باشد، اعدام کردن مجرم به بازماندگان تسلی خاطر داده و نوعی احترام به رنجی است که قربانی کشیده است.

ب: دلایل مخالفان اعدام:

مخالفان اعدام در زمینه های گوناگون و از نقطه نظر مختلف مسأله را مطرح نموده و دلایل خود را به شرح ذیل ابراز داشته اند:

۱- اعدام تنها راه حفظ نظم و امنیت اجتماعی نیست: مجازات هدف جوامع نیست، بلکه وسیله حفظ نظم و امنیت اجتماعی می باشد و می توان گفت که مجازات اعدام تنها راه ایجاد نظم و امنیت اجتماعی نیست.

۲- فقدان حق جامعه در سلب حیات: جامعه حق ندارد حق حیات مجرم را که خداوند به او داده است جهت حفظ و بقای خود از او بگیرد. اجتماع حیات بخش نیست تا حق داشته باشد آن را بگیرد. بلکه این اجتماع است که نقش موثر در تربیت او را بر عهده داشته و با سهل انگاری و کوتاهی در تربیت او موجبات جرم توسط وی را به وجود آورده است.

۳- احتمال خطای قاضی: اعدام یک مجازات برگشت ناپذیر است زیرا اگر شخص بی گناهی بر اثر یک اشتباه قضائی محکوم به اعدام گردد و کیفر اعدام در مورد او اجرا گردد، آن وقت یک انسان بی گناه جان خود را از دست داده و بدیهی است که دیگر کار از کار گذشته و چنین خطا و اشتباهی قابل جبران نیست.

۴- عدم تفاوت اعدام قاتل، با قتل اولیه: اگر ما یک قاتل را اعدام کنیم، چه فرقی با او می کنیم؟ او یک انسان را کشته است و ما هم با کشتن او داریم مرتکب همان عمل خشونت بار می شویم. جایز نیست کاری به زشتی کشتن یک انسان را تکرار کنیم. خشونت علیه خشونت کار شایسته ای نیست.

۵- غیر بازدارنده و غیر ارعابی بودن: مجازات اعدام غیر بازدارنده بوده و کیفری مفید و عادلانه نیست و این که گفته می شود مجازات اعدام می تواند از ارتکاب جرائم، توسط دیگران پیشگیری کند، صحیح نمی باشد زیرا علی رغم کثرت این مجازات همیشه با مجرمانی مواجه هستیم که جرائم مستحق مجازات اعدام را بدون ترس از این کیفر مرتکب می شوند.

مبحث دوم:

کیفرهای سالب آزادی

کیفر حبس یکی از کیفرهای سالب آزادی می باشد که عبارت است از سلب آزادی از مجرم. این کیفر منجر به سلب آزادی می گردد و به جای آن که جسم مجرم را مورد تعرض و تجاوز قرار دهد آزادی وی را مورد تهدید قرار می دهد. اصلی ترین و رایج ترین کیفر سالب آزادی حبس می باشد. در این مبحث در قالب پنج گفتار به بررسی ویژگی ها، کیفر حبس، تقسیم بندی زندان ها، معیارهای تفکیک زندانیان، روش های اداره زندان و آسیب شناسی زندان خواهیم پرداخت.

گفتار اول: ویژگی های حبس:

زندان محلی است که در آن محکومانی که حکم آنان قطعی شده است با معرفی مقام صلاحیت دار قضائی و قانونی برای مدت معین یا به طور دائم به منظور تحمل کیفر و با هدف حرفه آموزی، بازپروری و بازسازی نگهداری می شوند. کیفر حبس دارای دو ویژگی خاص، قابلیت درجه بندی و قابلیت جبران می باشد که در ذیل به بیان این دو ویژگی می پردازیم:

الف: قابلیت درجه بندی:

مقصود این است که هم برای جرائم خفیف و هم در خصوص جرائم شدید می توان از این مجازات استفاده نمود. به عبارتی می توان طول مدت حبس را با شدت جرم تطبیق داد و به دلیل همین ویژگی یکی از رایج ترین کیفرها در نظام های کیفری دنیا می باشد.

ب: قابلیت جبران:

در صورت بروز اشتباه قابلیت جبران برای محکوم به این مجازات وجود دارد بر خلاف مجازات هایی چون اعدام، قصاص و مجازات های بدنی که قابلیت جبران وجود ندارد.

گفتار دوم: تقسیم بندی های زندان ها:

محکومان بر حسب نوع جرم، مدت محکومیت و گذراندن قسمتی از محکومیت خود به تشخیص مقامات قضائی یا شورای طبقه بندی (متشکل از رئیس زندان، معاون قضائی، معاون فرهنگی، معاون انتظامی و یک نفر متخصص علوم جرم شناسی) به یکی از زندان های سه گانه راه می یابند. زندان ها در یک تقسیم بندی به زندان بسته، زندان باز و زندان نیمه باز تقسیم می شوند که در ذیل به بیان این سه نوع زندان می پردازیم:

الف: زندان بسته:

زندان بسته، زندانی است محصور با برج های دیده بانی که در پوشش داخلی و خارجی دارای حفاظت کامل می باشد. در این نوع زندان، محکومین شب ها در خوابگاه های اختصاصی یا گروهی نگهداری و روزها از برنامه های آموزشی، فنی و تفریحی استفاده نموده و یا در کارگاه های داخل زندان بکار گمارده می شوند.

ب: زندان باز:

زندان باز، زندانی است بدون حفاظت و مأمور مراقب، که زندانی مدت محکومیت خود را در آن با اشتغال به کار یا خدمت می گذراند و حق خروج از زندان را نداشته و شب ها را در نزدیکترین آسایشگاهی که به همین منظور تعیین شده است استراحت می نماید.

ج: زندان نیمه باز:

زندان نیمه باز زندانی است محصور، که در پوشش خارجی دارای حفاظت مناسب باشد و در آن زندانیان بطور گروهی با تعداد کافی مأمور مراقب، بدون اسلحه به کار اعزام می گردند و پس از خاتمه کار مجدداً به آسایشگاه های خود عودت داده می شوند. (اردوگاه های حرفه آموزی)

گفتار سوم: معیارهای تفکیک زندانیان:

در این آئین نامه مراحل در خصوص چگونگی اجرای حبس تبیین شده است به نحوی که محکوم علیه بعد از محکومیت به کیفر حبس و قطعیت حکم جهت گذراندن دوران محکومیت به زندان معرفی و در واحدی

)

به نام پذیرش و تشخیص، اقداماتی چون تشخیص هویت، معاینات پزشکی اعم از جسمی و روحی صورت می گیرد. بعد از تشکیل پرونده، شورای طبقه بندی زندانیان نسبت به معرفی زندانی جهت گذراندن دوران محکومیت اقدام می کند. در این مرحله بهتر است زندانیان از هم تفکیک شوند. (معیارهایی چون جنس و سن به طور معمول اعمال می شود به طوری که زندانیان زن و مرد مجزا هستند و همچنین سن زیر ۱۸ سال و سن بالای ۱۸ سال). اما بهتر است معیارهایی چون نوع جرم، مدت محکومیت، شرایط جسمی و روحی مجرم نیز در نظر گرفته شود. تفکیک زندانیان سبب جلوگیری تأثیر پذیری آنان از فرهنگ زندان و عدم یادگیری حرفه های مجرمانه از سایر مجرمین می شود.

گفتار چهارم: روش های اداره زندان:

در حال حاضر برای اداره زندان سه روش عمومی یا دسته جمعی، انفرادی یا سلولی و نظام مختلط وجود دارد که در ذیل به بررسی این سه روش می پردازیم:

الف: روش عمومی یا دسته جمعی:

روش عمومی یا دسته جمعی ساده ترین و کم هزینه ترین راه برای نگه داری زندانیان است به این صورت که زندانیان در بندهای عمومی نگه داری و با هم دیگر در ارتباط هستند. از محاسن این روش می توان به کم هزینه بودن و پایین تر بودن آمار ابتلا زندانیان به بیماری های روحی و اقدام به خودکشی اشاره نمود و از معایب این روش می توان مواردی همچون شکل گیری باندهای مجرمانه، یادگیری حرفه های مجرمانه، شیوع بیماری ها و سهولت برپایی شورش و اعتصاب را نام برد. البته با تفکیک زندانیان به صورت صحیح می توان تا حدودی معایب این روش را کاهش داد.

ب: روش انفرادی یا سلولی:

روش انفرادی یا سلولی یکی از پر هزینه ترین و چالش بر انگیزترین روش ها است و به این صورت می باشد که فرد زندانی به تنهایی در یک سلول کوچک و بدون ارتباط با دیگر زندانیان نگهداری می شود. از

)

محاسن این روش می توان مواردی همچون عدم تأثیری پذیری زندانیان از یکدیگر و از بین رفتن امکان شورش را نام برد و معایب آن عبارتند از: پر هزینه بودن، ابتلا به بیماری های روانی و اقدام به خود کشی.

ج: روش نظام مختلط:

روش نظام مختلط به این صورت می باشد که زندانی در طول روز در محیط عمومی زندان با دیگر زندانیان زندگی می کند اما شب را در سلول خود و به تنهایی بسر می برد. از محاسن این روش می توان به کم شدن امکان آشوب در زندان و کم شدن تأثیر پذیری زندانیان از هم اشاره نمود و از معایب این روش می توان بر هزینه بودن را نام برد.

گفتار پنجم: آسیب شناسی زندان:

کیفر زندان نیز همچون دیگر کیفرها دارای آسیب ها و معایبی می باشد که نیاز به آسیب شناسی دقیق دارد. برخی از این آسیب ها و معایب عبارتند از:

۱- آموزش و انتقال جرائم به یکدیگر و تأثیر سوء بر شخصیت زندانی؛

۲- بیکاری و طرد اجتماعی؛

۳- عدم طبقه بندی صحیح در زندان؛

۴- پایین بودن سطح بهداشت و اخلاق؛

۵- پیامدهای برچسب خوردن و بر آورده نداشتن توقعات اندیشمندان حقوق؛

۶- تعارض با اصل شخصی بودن مجازات؛

۷- تحمیل هزینه های اقتصادی بر جامعه؛

۸- از بین بردن حس مسئولیت.

)

مبحث سوم:

کیفرهای مالی

کیفرهای مالی عبارت است از ایجاد نقص در اموال مجرم که قانون به عنوان مجازات جرم ارتكابی تعیین و مقرر می نماید و مجرم با از دست دادن قسمت یا تمامی اموال خود، تنبیه می شود، که در اصطلاح حقوقی با عنوان جزای نقدی، ضبط یا مصادره اموال شناخته می شوند. در این مبحث در قالب سه گفتار به بررسی انواع کیفرهای مالی، محاسن و معایب کیفرهای مالی خواهیم پرداخت.

گفتار اول: انواع کیفرهای مالی:

کیفرهای مالی که در قوانین جزائی ما تعیین شده اند عبارتند از:

الف: کیفر جزای نقدی:

جزای نقدی، پولی می باشد که به عنوان جریمه و تاوان از مجرم گرفته می شود و از انواع مجازات های تعزیری و بازدارنده است، که به صورت پرداخت وجه نقد از سوی محکوم علیه کیفری به نفع دولت اجرا و اعمال می گردد.

ب: کیفر ضبط اموال:

کیفر ضبط اموال، ناظر به آلات جرم یعنی نگهداری دائم یا موقت آلات جرم مثل اسلحه، دستگاه جعل اسکناس و ... می باشد که در واقع قسمتی از اموال مجرم می باشد.

ج: کیفر مصادره اموال:

کیفر مصادره اموال، ناظر به اموال جرم یعنی اموال تحصیل شده از جرم می باشد. مجازات مصادره اموال ناظر به اموالی است که از راه نامشروع و مجرمانه تحصیل شده است.

)

گفتار دوم: محاسن کیفرهای مالی:

کیفرهای مالی نیز همانند دیگر کیفرها، دارای محاسنی می باشد که عبارتند از:

- ۱- کیفرهای مالی بر خلاف کیفرهای سالب آزادی فساد انگیز نیستند چرا که انتخاب کیفر نقدی به جای زندان که محیط آن معمولاً جرم زاست، مانع تباهی و فساد مجرمین اتفاقی، می گردد.
- ۲- محکومیت به کیفر مالی ولو به صورت مکرر، برای مجرم ایجاد عادت نمی کند و خصوصیت اربعایی خود را همیشه حفظ می کند، در حالی که مجازات حبس نسبت به مجرمین تکرار کننده جرم، اثر اربعایی نداشته و مجرم پس از یکی دو بار زندانی شدن به محیط زندان عادت می کند.
- ۳- کیفرهای مالی بهترین مانع برای جلوگیری از ارتکاب جرائم علیه مالکیت است. زیرا در این نوع جرائم هدف اصلی مجرم، کسب مال می باشد و مناسب ترین مجازات برای چنین جرائمی کیفرهای مالی می باشد.
- ۴- کیفرهای مالی بر خلاف زندان برای خزانه دولت ایجاد منفعت کرده و منبع درآمد خوبی برای دولت قلمداد می گردد.
- ۵- برقراری تناسب و ایجاد انطباق میان جرم ارتکاب یافته و کیفر مالی، نسب به کیفرهای دیگر امکان پذیرتر و آسانتر می باشد.

گفتار سوم: معایب کیفرهای مالی:

معایب کیفرهای مالی عبارتند از:

- ۱- کیفرهای مالی معارض با اصل برابری مجازات می باشد، چرا که کیفر مالی اگر برای یک مجرم فقیر، سنگین و شدید است، ولی برای مجرمین غنی و ثروتمند چندان اهمیتی نداشته و مجازاتی خفیف محسوب می گردد و این با اصل برابری مجازات سازگار نمی باشد.

)

۲- متناسب کردن کیفرهای مالی با میزان داری و توانایی مالی مجرم از نظر اهداف کیفر و فردی کردن آن عملاً ممکن نیست، زیرا افراد مجرم خصوصاً مجرمین حرفه ای سعی در مخفی کردن اموال و دارایی های خود دارند.

۳- عدم توانایی افراد کم بضاعت در پرداخت کیفر مالی، موجب فرستادن آن ها به زندان و تحمل کیفر حبس می گردد.

۴- گاهی اوقات امکان وصول کیفر نقدی به علت حالاتی مثل اعسار وجود ندارد.

۵- کیفر مالی فاقد ویژگی ارباب نسبت به اغنیاء می باشد.

مبحث چهارم:

کیفرهای بدنی

به کیفرهای اطلاق می شود که ناظر به جسم و تن محکوم علیه می باشد بدون اینکه هدف آن ازهاق نفس او باشد. مهم ترین کیفرهای بدنی عبارتند از:

الف: قطع عضو:

مجازات قطع عضو، بریدن دست و پای مجرم می باشد که در ماده ۲۸۷ و بند پ ماده ۲۸۲ قانون مجازات اسلامی به آن اشاره شده است و همچنین اگر فردی مرتکب قطع عضو و یا جرح انسانی (بریدن عضوی از اعضاء بدن مانند: گوش، بینی، زبان و یا شکستن و کندن دندان و ...) گردد، در صورتی که عمدی باشد موجب قصاص است و مجنی علیه می تواند با اذن ولی امر جانی را با شرایطی قصاص نماید.

ب: شلاق:

تاریخ حقوق اسلام نشان می دهد که مهمترین نمونه مجازات های حدی و تعزیری، مجازات شلاق می باشد اما مکاتب کیفری جدید به این مجازات روی خوشی نشان نداده اند و در نتیجه شاهد سپرده شدن مجازات شلاق به زرادخانه های قانونی کشورها هستیم، بر خلاف قوانین ایران که کماکان ارزش و اعتبار این مجازات را به ویژه در حدود و جرائم خشن، حفظ کرده است.

فلسفه ای که برای کیفر شلاق بیان شده است آن است که درد حاصل از ضربات تازیانه، لذت جرم را از بدن مجرم بیرون می آورد و اجرای آن هزینه زیادی ندارد. در مقابل از نظر فلسفی دلایلی برای مخالفت با کیفر شلاق بیان شده است از جمله این که سلول های بدن که مورد آزار تازیانه شلاق قرار می گیرند همان سلول هایی نیستند که در زمان ارتکاب جرم وجود داشته اند، زیرا سلول های بدن مرتب در حال تغییر هستند، بنابراین کیفر نسبت به همان عضوی که جرم را انجام داده صورت نمی گیرد. اما در پاسخ باید گفت که قوانین موضوعه بر پایه ضوابط عرفی استوار است نه استدلال های دقیق عقلی، که تنها در مباحث علمی کاربرد دارد و عرف هم میان شخصی که یک سال پیش مرتکب جرمی شده است و اکنون کیفر می شود تفاوتی نمی گذارد. هر چند از نظر عقلی ممکن است این شخص همان شخص یک سال قبل نباشد.

مبحث پنجم:

کیفرهای محدود کننده آزادی

این دسته از کیفرها آزادی عمل فرد را سلب می نماید اما محکوم علیه سایر آزادی های خود نظیر شغل و مناسبات خانوادگی خود را از دست نمی دهد. مهمترین این کیفرها، تبعید، اقامت اجباری در محل معین و منع از اقامت در محل یا محل های معین می باشد که در این مبحث در قالب دو گفتار به بررسی آن ها خواهیم پرداخت.

گفتار اول: تبعید:

تبعید به معنای نفی بلد می باشد. این گونه کیفرها به نحوی است که فرد محکوم مکلف می گردد که مدت زمان خاصی را در محلی خاص اقامت نماید و گاهی فرد تبعیدی حق رفت و آمد و معاشرت با سایر اشخاص را ندارد. مواد ۲۲۹ و ۲۴۳ قانون مجازات اسلامی از جمله موادی هستند که قانونگذار مجازات تبعید را برای مرتکبین آن جرائم در نظر گرفته است.

مجازات تبعید یا نفی بلد برای زنان اعمال نمی گردد زیرا مصلحت آنان اقتضا می کند که به مکانی دور از خانواده خود تبعید نشوند تا در معرض انحراف اخلاقی قرار نگیرند. در خصوص مدت تبعید هم باید گفت که در قوانین کشور ما مدت تبعید متغیر است.

گفتار دوم: اقامت اجباری در محل معین و منع از اقامت در محل یا محل های معین:

این نوع کیفر گاهی محکوم را مجبور به اقامت اجباری در محلی معین می نماید و گاهی محکوم را از اقامت در محل سکونت خود یا محل های معینی ممنوع و محروم می سازد. در اقامت اجباری و یا منع اقامت، محکوم از آزادی کامل محروم نیست، بلکه در نقاط معینی به زندگی خود ادامه داده و تحت مراقبت و نظارت اصلاحی و تربیتی قرار دارد. مانند: ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی.

مبحث ششم:

کیفرهای سالب حیثیت

سرافکنندگی و از دست دادن حیثیت، خود نتیجه اجرای مجازات می باشد که دارای درجه های گوناگونی می باشد. اما رسوا کردن محکوم علیه و آبروی او را نزد عام و خاص ریختن، کیفری خاص است که همواره به عنوان نوعی مجازات، اعتبار و حیثیت اجتماعی مجرم را تهدید می کند. اجرای این مجازات در برخی از قوانین کیفری ما پیش بینی شده است.

در این خصوص ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: «حکم محکومیت قطعی در جرائم موجب حد محاربه و افساد فی الارض، یا تعزیر تا درجه چهار و نیز کلاهبرداری بیش از یک میلیارد ریال در صورتی که موجب اخلال در نظم یا امنیت نباشد، در یکی از روزنامه های محلی در یک نوبت منتشر می شود.

تبصره ماده فوق الذکر در ادامه مقرر می دارد: «حکم محکومیت قطعی در جرائم زیر که میزان مال موضوع جرم، یک میلیارد ریال یا بیش از آن باشد، الزامی است و در رسانه ملی یا یکی از روزنامه های کثیرالانتشار منتشر می شود ...»

)

مبحث هفتم:

کیفرهای محروم کننده از حق

حق یا حقوقی که محکوم علیه به موجب حکم دادگاه از داشتن آن محروم می گردد عبارت است از بعضی حقوقی که قانون اساسی برای شهروندان ایرانی به رسمیت شناخته و یا امتیازهایی که بر طبق مقررات خاص اعطای آن، تصویب شده است. کیفرهای سالب حق، معمولاً به عنوان مجازات تبعی یا تکمیلی همراه با مجازات های اصلی نسبت به افراد مجرم تحمیل می شود، البته ممکن است مستقلاً هم موضوع حکم دادگاه قرار گیرد. این مجازات ها عبارتند از:

۱- ممنوعیت از حقوق اجتماعی (ماده ۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲)؛

۲- ممنوعیت از اشتغال به شغل، حرفه یا کار معین (ماده ۳۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲).

شاد، پیروز و موفق باشید